

صريح ترها با مصطفی معین و در میان آنان محسن مهرعلیزاده هم بود. این رخداد در پی آن بود که خاتمی و کروبی نتوانسته بودند میر حسین موسوی را برای حضور قانع کنندو اودلائل سال ۷۵ را تکرار کرده و گفته بود رئیس جمهوری بدون صداوسیما ونیروی انتظامی قدرت کافی در اختیار ندارد. درصلاحت اولیهمعین وبازگشت اوبه صحنه باد خالت رهبری برای تصحیح خطای شورای نگهبان موضع خاتمی را صریح تر کردو گفت: معین بیابیدومراد او این بود که درگیر مباحث مربوط به حکم حکومتی بودن ونیون نشوند.

بدین ترتیب انتظار شیخ نه برای حمایت برآورده شده بود نه دخالت برای واداشتن یکی از رقبا به انصراف ونه چالش باشورای نگهبان دربارهٔ نتایج مرحله دوم و بدین ترتیب کروبی بعد از انتخابات راه خود را از خاتمی علناً و رسماً جدا کرد هر چند از اردوگاه اصلاح طلبی بیرون نرفت. با این حال برگشیدن محمود احمدی نژاد که نسبت و شباهتی با هیچ یک از آنان نداشت سبب شد در مقابل او در کنار هم تعریف شوند و نه تنها آن دو که هاشمی فسجنجانی و حسن روحانی و ناطق نوری هم پیوستند. سه سالی به این منوال گذشت و در نیمه دوم سال ۸۷ بحث انتخابات ۸۸ به میان آمد و مهدی کروبی رودتر از دیگران برای نامزدی اعلام آمادگی کرد. فاصلهٔ اندک او با نامزد راه یافته به دور دوم در سال ۸۴ و شهرت با وعدهٔ ماهانهٔ ۵۰ هزار تومان اعتمادبه نفس و امید شیخ به پیروزی را بیشتر کرده بود و نگاه ها به خاتمی بود که این بار حمایت می کند یا نه. اما نه تنها از حمایت خبری نبود که در آیین افتتاح تارنمای مجمع روحانیون در بهمن ۸۷ این زمزمه پیچید که خود خاتمی سودای بازگشت به عرصهٔ انتخابات و تکرار تجربهٔ هاشمی در سال ۸۴ را دارد. قانون اساسی البته تنها بیش از دو دورهٔ متوالی را منع کرده و بازگشت با فاصله بلامانع است اما از مواضع رهبری قابل برداشت بود که شخصاً و نه از جایگاه رهبری رقابت یک رئیس جمهوری سابق با نامزدهای دیگر را نمی پسندند. به صورت غیررسمی به خاتمی هشدار داده شد بعد نیست این بار شورای نگهبان با او بر سر مهر نباشد و کسانی حدس زدند او قصد دیگری دارد و آن همانا آوردن میر حسین موسوی به صحنه بعد از دو بار امتناع است چرا که تکلیف گرا بودو حس می کرد در برابر جریان خاصی که احمدی نژاد به راه انداخته باید بیایستد و رقابت با رئیس جمهور مستقر از هیچ نامزد دیگری بر نمی آمد.

شاید هم خاتمی تصور می کرد با حضور موسوی شاهد انصراف کروبی هم باشد ولی این اتفاق نیفتاد و این خود خاتمی بود که از نامزدی انصراف داد و شال سبز را بر گردن میر حسین انداخت و تمام قد پشت سر او قرار گرفت و چون رقابت اصلی با احمدی نژاد بود کروبی و موسوی در کنار هم تصور شدند و حتی مناظره آن دو بیشتر به گفت و گو و نقد شخص ثالث بدل شد.

▼ ماجراهای ۸۸

اتفاقات بعد از ۸۸ از دو رفیق قدیمی را بیشتر کنار هم قرار داد در حالی که هاشمی و ناطق نوری هم بیش از پیش به آنان پیوسته بودند چرا که احمدی نژاد در مناظره ها به هر دو تاخته بود و کار به جایی رسید که هاشمی و خاتمی و کروبی در مراسم تنفیذ دوره دوم احمدی نژاد شرکت نکردند. هر چند روزنامه های موسوی و کروبی بعد از انتخابات ۸۸ به محاق توقیف رفتند (اگر چه اعتماد ملی تا دو ماه بعد تحمل شد) اما حصر از بهمن ۸۹ شروع شد و خبر آن را دوروز

با FATF به هیچ وجه به جلب رضایت و توافق با یک نهاد به اسم FATF معطوف نمی شود؛ نگاه نادرستی که به غلط در این چند سال و در خلأ سکوت کارشناسان و متخصصان، توسط افراد غیر مرتبط و ناآشنا به استانداردهای بین المللی، به صورت انحرافی گفتمان سازی شده است. چون قرار نیست اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی با دبیر خانه FATF کار تجاری و تبادل مالی انجام دهند؛ بلکه عادی سازی پرونده کشور با FATF یعنی اعتماد سازی و اثبات کارآمدی نظام مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم ایران به تعداد قابل توجهی نهادهای منطقه ای، بین المللی و تخصصی در سطح جهان (۹ نهاد منطقه ای FATF، صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، کمیته نظارتی بازل، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، سازمان امنیت و همکاری اروپا، انجمن بین المللی ناظران بیمه، نهادهای ناظر بر بازار اوراق بهادار، بانک توسعه آفریقا، بانک توسعه آسیایی، سازمان شاگنگای و...) امروز با معماری چندسطحی و شبکه ای پیچیده از تمام کشورهای جهان، در حال اجرای دقیق قواعد و توصیه های FATF و مشارکت فعال در به روز رسانی توصیه های این نهاد هستند و ادبیات رفتاری خود با کشور مان را در این چار چوب مشخص کرده اند. « گزارش مذکور، موضوع مشکلات ایجاد شده برای ایران در جریان تعویق پذیرش دو کنوانسیون پارلمو سی اف تی را اینگونه شرح داده است: «ایران به دلیل عدم تصویب و الحاق به کنوانسیون های پارلمو و CFT از سال ۱۳۹۸ از لیست خاکستری یعنی فهرست کشورهایی که پذیرفته اند آسیب هایی در نظام پولی و مالی خود دارند و برای رفع این آسیب ها در قالب یک برنامه زمانی با FATF توافق نموده اند، به لیست سیاه تغییر وضعیت داده است. در تفاوت لیست خاکستری و لیست سیاه FATF، به این جمله می توان بسنده کرد که در خصوص کشورهای لیست خاکستری، FATF از کشور هدف می خواهد که ایرادات خود را در یک بازه زمانی رفع کند در حالی که در خصوص کشورهای لیست سیاه، از تمام کشورهای دنیا می خواهد علیه کشور هدف اقداماتی را انجام دهند که به «اقدامات تقابلی» معروف است. »

▼ تلاش برای بازگشت به لیست خاکستری

با روندی که پشت سر گذاشته شد، بازگشت به لیست خاکستری نیز مشروط است: «اهمیت پذیرش کنوانسیون CFT آنجاست که FATF از سال ۱۳۹۸ که اقدامات تقابلی علیه ایران را تعریف کرد، در بیانیه های خود مکرراً اعلام کرده است که در صورت عضویت ایران در کنوانسیون های پارلمو و CFT، تعلیق اقدامات تقابلی و بازگشت ایران به لیست خاکستری و به تبع آن عادی شدن رفتار سایر کشورها با ایران تا زمان اجرای کامل برنامه اقدام، قابل تصمیم گیری است. با تصویب این کنوانسیون یکی از مهمترین بهانه ها از FATF و کشورهای همسو و عضو این نهاد در مسیر عادی سازی پرونده کشور و خروج از لیست سیاه گرفته می شود و عملاً فرآیند شبکه سازی و اجماع سازی بین کشورهای دوست و همسو در جهت عادی سازی پرونده کشور با FATF تسهیل و تسریع می شود. چرا که پذیرش کنوانسیون CFT مطالبه کشورهای همسو با ما نیز بوده هست.

موضوع نگران کننده در خصوص اهمیت روزافزون تعلیق اقدامات تقابلی آنجاست که اولاً این اقدامات انتها ندارد و با توجه به انتقاضی زمانی برنامه اقدام کشور مان با FATF، می تواند با فشار دشمنان کشور، بسیار شدیدتر از وضع موجود تعریف شود که نمونه آن را در خصوص کره شمالی شاهدیم، ثانیاً در توصیه

شماره ۱۹ FATF به صراحت این اختیار به کشورهای مختلف داده شده است که در صورت صلاح دید، اقدامات تقابلی خاص خود را علیه کشورهای لیست سیاه [به صورت مستقل] تعریف کنند که این شرایط با بازگشت احتمالی تحریم های الزام آور شورای امنیت سازمان ملل متحد در قالب مکانیسم ماشه، تهدیدی جدی در مدیریت تعاملات بین المللی کشور محسوب خواهد شد. « اما مهم ترین بخش تمام این گزارش در تشریح اهمیت حل این پرونده برای ایران، احتمالاً در این بند خلاصه شده باشد: «توصیه های FATF در تمام کشورها، از جمله در ایران به قانون تبدیل شده و امروز قدرت توصیه های این نهاد ناظر جهانی از سازمان ملل متحد نیز بیشتر است. چرا که در حال حاضر، تعداد اعضای اصلی و منطقه ای FATF از تعداد اعضای سازمان ملل متحد بیشتر بوده و عملاً بر خلاف نقش تقنینی سازمان ملل متحد، توصیه های FATF نقش مؤثر و اجرایی در محدود سازی تعاملات پولی و مالی کشورهای پر خطر را بازی می کنند. در طول ۳۵ سال عمر FATF، به صورت مستمر، استانداردهای این نهاد با مشارکت تمام کشورهای عضو نهادهای همکار، به روز رسانی و جهان شمول شده است و کشور ما به دلیل عدم تعامل با این نهاد عملاً از چرخه این نوع تصمیمات مهم بین المللی کنار گذاشته شده که تداوم این وضعیت، چالش ها و هزینه های مرتبط را روزافزون، افزایش خواهد داد. »

▼ پاسخ به حملات جریان تندرو

گزارش این مرکز، در بخش دیگری به مسائل مطرح شده در فضای مجازی و رسانه ای پاسخ می دهد که طی سال ها و ماه ها گذشته، همواره از سوی جریان تندرو تکرار شده است. پاسخ هایی مورد به مورد و مصداقی که مسائل را از لحاظ فنی نگاه کرده است. مواردی مانند «سوء استفاده اوکراین از کنوانسیون CFT برای محکومیت روسیه در دیوان بین المللی دادگستری»، «مقایسه موضوع FATF با مسئله هسته ای و تعامل با آژانس»، «ارتباط موضوع FATF با مسئله مکانیسم ماشه» از جمله آن ها هستند. در ادامه این بخش، گریزی هم به مذاکرات هسته ای ایران در دوران محمود احمدی نژاد با مدیریت سعید جلیلی، و صدور قطعنامه ۱۹۲۹ (۱۳۸۹) علیه ایران نیز زده شده است: «در قطعنامه های مختلف شورای امنیت به لزوم اجرای توصیه های FATF توسط کشورها تأکید شده است. به نحوی که در قطعنامه ۱۸۰۲ (۲۰۰۸) علاوه بر نام ایران به نام FATF و نقش این نهاد هم اشاره شده است. یا در قطعنامه ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) که شدیدترین قطعنامه علیه کشور مان است به صراحت به نقش مؤثر و تکمیلی FATF (اقدامات تقابلی و لیست سیاه) نیز اشاره شده است. البته در آن زمان هیئت مذاکره کننده ایرانی دقت لازم را معمول نداشته و این سؤال برای تصمیم گیران کشور مطرح نشده که دلیل قرار گرفتن نام FATF در قطعنامه ای که برای ایران صادر شده، چیست؟ این یعنی از همان زمان سازمان ملل به ابزاری به اسم FATF برای تکمیل قطعنامه های خودش توجه داشته که البته در قالب استفاده از ظرفیت اقدامات تقابلی در لیست سیاه، ظهور و بروز پیدا می کند. FATF در چار چوب توصیه ها و متدولوژی های خود از تحریم های آمریکا حمایت نمی کند ولی از تحریم های سازمان ملل حمایت خواهد کرد و توصیه ۷ به صراحت به عدم اشاعه و تأمین مالی سلاح های کشتار جمعی اشاره دارد. سؤال مهم این است که مشابه سایر کشورهای دنیا در لیست سفید باشیم و تعاملات عادی با FATF داشته باشیم برای ما تهدید است یا اینکه در لیست کشورهای پر خطر و تحت محدودیت های اقدامات تقابلی ۱۴؟

سمفونی خطوط

جمال رحمتی

برای دانش آموزان محروم از تحصیل



عکس نوشت

دست بجنابید

درباره عکسی از موتورسواری زنان در شهر

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه نگار

زمان بچگی ما اگر یک خبرنگار میکروفن به دست می گرفت و توی مدرسه ای می چرخید و از بچه ها شغل آینده شان را سوال می کرد، صدی نود بچه ها دوست داشتند دکتر، پلیس، خلبان، مهندس و... شوند. اما یکی دوشب پیش در مهمانی بچه رفیقم می خواست موتورسواری شود. واقعیت این بود که بعد از شنیدن حرف های دخترک به فکر فرو رفتم. به این فکر کردم چه می شود که بچه ای نسبت به شغلی آرزومند می شود. تا جایی که می دانیم بچه ها برای اینکه به این سوال جواب دهند باید بتوانند خودشان را در آن پوزیشن تصور کنند. در مر حله بعد باید که با آن شغل حس موفقیت و دیده شدن پیدا کنند. این احساس در حقیقت از طریق محیط اطراف و رسانه به آن ها القا می شود. بچه ها دوست دارند خلبان شوند چون اولاً تصور پرواز در آسمان برای هر بنی بشری جذاب است و ثانیاً هیأت و هیبت خلبان ها و کروی پروازی دل بچه ها را به جاهای خوب می برد. بچه ها دوست دارند دکتر شوند چون نجات جان آدمیزاد مهم ترین کارهاست. بچه ها دوست دارند «لاستیک فروش شوند» چون عموی مهرپا نشان لاستیک فروش است. اما دختر بچه دوست من چرا باید همه تصور ش از موفقیت را ندن موتورسیکلت باشد؟ واقعیت این است که این روزها راندن موتور برای زنان ایران بیشتر از نشستن بر یک وسیله نقلیه است. بفهمی نفهمی یک پرچم است برای اعلام پیروزی. یک نشان از خواست مشروع زندگی برابر است. راندن موتورسیکلت شاید دم دستی ترین، سخت ترین و پرزحمت ترین شغل برای انتخاب یک کودک باشد اما وقتی بچه رفیقم درباره شغل آینده اش حرف می زد آب از لب و لولچش آویزان بود. می دانید چرا؟ اینکه این روزها همه مردم شهر زنان موتورسواری تشویق می کنند. برایشان کف و سوت می زنند و توی مهمانی ها بر شجاعت شان آفرین می گویند. حتم دارم که آرزوی آن دختر یکی دو سال دیگر رنگ بوی امروز ش را از دست داده و جایش را به آرزوی دیگری می دهد. اما بیایید به این فکر کنیم که چرا هر اتفاق ساده برای تحقق اینقدر به رسانه ها راه پیدا می کند و اینقدر پیچیده می شود و... این روزها واقعیت زندگی در خیابان، روی اسفالت داغ و در میان دود آگروزها، به حقیقت بدل شده است. اما آیین نامه ها و پروکراسی و گیر و گورهای قانونی آنقدر کش پیدا می کند و مسئله می شود که تبدیل به آرزوی دختر بچه ها می شود.

دبیروز سید تیمور حسینی رئیس پلیس راهور فراجا خطاب به زنانی که بدون گواهینامه موتور می رانند هشدار داده است. هشدار رئیس پلیس راهور متین بر منکر ش لعنت. اما یک نفر باید به سیستمی که اینقدر کند است و از جامعه عقب مانده هشدار بدهد که دست بجنابید و جلوی اتفاقات ناگواری که خدای ناکرده در آینده می افتد را زودتر بگیرد. چیزی که من روزنامه نگار یک لاقبا در این روزهای شهر می بینم نیازمند دست جنبنان دن است.

